

سؤالات آزمون درس: فارسی (۳)	پایه: دوازدهم	رشته: همه رشته‌ها	تاریخ آزمون: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹
تعداد صفحه: ۵	مدت آزمون: ۱۰۰ دقیقه	ساعت شروع:	نام و نام خانوادگی:
دوره جمع‌بندی دستور زبان و آرایه‌های ادبی - فارسی (۳) - آزمون نهایی ۱۴۰۵		استاد: جناب آقای لمسه‌چی	

قلمرو زبانی (۷ نمره)

۰/۲۵	۱	کدام معنا از واژه «سامان» در مصراع «با جان بودن به عشق در سامان نیست» بر نمی‌آید؟ (۱) امکان (۲) در خور (۳) مصلحت (۴) میسر
۰/۲۵	۲	واژه «طاق» در جمله «دیوارهای کهن روم که هنوز طاقِ ضریبی دروازه‌های آن باقی است»، با همین واژه در کدام مصراع هم‌معناست؟ (۱) طاق‌پذیر است عشق، جفت نخواهد حریف (۲) چون ابروی معشوقان با طاق و رواق است
۰/۲۵	۳	معنای واژه مشخص شده را بنویسید. «برکش ز سر این سپید معجز/ بنشین به یکی کبود اورند» روسری
۰/۲۵	۴	در بیت زیر، واژه‌ای هم‌معنای واژه «تاب» بیابید. ■ در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد/ عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
۰/۵	۵	در هریک از جمله‌های زیر، املاي درست را از داخل کمانک برگزینید. ■ پس از او، عموی بزرگم که برجسته‌ترین شاگرد (حوزه/حوضه) ادیب بزرگ بود... ■ پیرمرد از داخل (کاذبه/کازیه) روی میز، یک پاکت کهنه را که از جایی برایش رسیده بود، برداشت.
۰/۲۵	۶	کدام یک از ابیات زیر، فاقد غلط املايي است؟ (۱) تا درد و ورم فرونشیند/ کافور بر آن ظماد کردند (۲) می‌تواند حلقه بر در زد حریم حسن را/ در رگ جان هرکه را چون زلف پیچ و تاب هست
۰/۵	۷	در کدام گزینه، املاي واژه‌ای درست نیست؟ شکل درست آن را بنویسید. (۱) زین بی‌خردان سفله بستان/ داد دل مردم خردمند (۲) صریر، مُلک عطا داد کردگار تو را/ به جای خویش دهد هرچه کردگار دهد / سریر
۰/۲۵	۸	در بیت زیر، واژه‌ای هم‌آوا دارد. آن را مشخص کنید. مستور/ مسطور ■ «تن ز جان و جان ز تن مستور نیست/ لیک کس را دید جان دستور نیست»
۰/۵	۹	از میان گروه واژگان زیر، دو املا درست نیست. درست آنها را بنویسید. چریخ/ سور ■ «سِفله و بدسُرشت»/ «چریق و طلوع»/ «ایدونک و این‌چنین»/ «صور و بزم»
۰/۲۵	۱۰	در کدام گزینه، «صفت مضاف‌الیه» دیده می‌شود؟ (۱) جلد دوم کتاب بینوایان (۲) غرفه بلند آسمانش (۳) چشمه‌آبی سرد
۰/۵	۱۱	در گروه‌های اسمی زیر، نوع وابسته و وابسته را تعیین کنید. (أ) اسیر این جهان صفت مضاف‌الیه (ب) هفت فرسخ راه ممیز

۰/۲۵	در بیت زیر، وابسته و وابسته را مشخص کنید. ■ «هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش/ باز جوید روزگار وصل خویش»	۱۲
۱	در گروه اسمی زیر، هسته و وابسته‌ها و وابسته‌های وابسته را با ذکر انواع مشخص کنید. «سال‌ها پیش، مردی فیلسوف و فقیه که در حوزه درس مرحوم حاجی مآلهادی اسرار مقامی بلند و شخصیتی نمایان داشت، به این ده آمد تا عمر را به تنهایی بگذارد.» حوزه: هسته/درس: وابسته پسین از نوع مضاف‌الیه/مرحوم: وابسته و وابسته از نوع شاخص مضاف‌الیه/حاجی: وابسته و وابسته از نوع شاخص مضاف‌الیه/مآلاً: وابسته و وابسته از نوع شاخص مضاف‌الیه/هادی: وابسته و وابسته از نوع مضاف‌الیه مضاف‌الیه/اسرار: وابسته و وابسته از نوع مضاف‌الیه مضاف‌الیه	۱۳
۰/۷۵	در گروه اسمی زیر، هسته و وابسته‌ها و وابسته‌های وابسته را با ذکر انواع مشخص کنید. خونسردی: هسته/هرچه: وابسته و وابسته از نوع قید صفت/تمام‌تر: وابسته پسین از نوع صفت بیانی از نوع صفت تفضیلی «آقای مصطفی‌خان با کمال متانت، تعارفات معمولی را برگزار کرده و با وقار و خونسردی هرچه تمام‌تر، بر سر میز قرار گرفت. او را به عنوان یکی از جوان‌های فاضل و لایق پایتخت به رفقا معرفی کردم.»	۱۴
۰/۲۵	در بیت زیر، تعداد مفعول‌ها را بنویسید. ■ «بگفت: [آنجا به صنعت در چه کوشند؟] / بگفت: [انده خرنند و جان فروشند]»	۱۵
۵	در بیت زیر، نهاد را معین کنید. ■ مال اینجا بایدت انداختن/ ملک اینجا بایدت درباختن	۱۶
۰/۵	در بیت زیر، مفعول را تعیین کنید. سه مفعول ■ چو خواهی که [بیدار کنی گفت‌وگوی] / ببايد زدن سنگ را بر سبوی	۱۷
قلمرو ادبی (۵ نمره)		
۰/۵	مفهوم نمادین کلمه مشخص شده را بنویسید. نماد سالک الی‌الله/نماد خود مولانا (و پاسخ‌های مشابه) ■ «بشنو این نی چون شکایت می‌کند/وز جدایی‌ها حکایت می‌کند»	۱۸
۰/۵	در کدام بیت، ارتباط معنایی میان دو مصراع بر پایه تشبیه برقرار شده است؟ این کاربرد شاعرانه چه نام دارد؟ أ) بی عشق زیستن را جز نیستی چه نام است؟/یعنی اگر نباشی، کار دلم تمام است ب) شانه می‌آید به کار زلف در آشفستگی/آشنایان را در آیام پریشانی بپرس اسلوب معادله	۱۹
۰/۲۵	کاربرد واژگان قافیۀ این بیت، کدام آرایۀ ادبی را خلق می‌کند؟ جناس تام ■ آتش است این بانگ نای و نیست باد/هرکه این آتش ندارد نیست باد	۲۰
۰/۵	آیا نویسنده متن زیر از شاعری پیشین متأثر شده است؟ توضیح دهید. «آخرین چراغ امپراتوری روم را موسولینی روشن کرد که چند صبحی تا حبشه و قلب افریقا نیز پیش راند، اما همه می‌دانیم که «دولت مستعجل» بود. چه خوش گفته‌اند که «امپراتوری‌های بزرگ هم مانند آدم‌های ثروتمند، معمولاً از سوءهاضمه می‌میرند!» نویسنده متأثر از سخن حافظ است: «راستی خاتم فیروزه بواسحاقی/خوش درخشید، ولی دولت مستعجل بود»	۲۱

۲۲	با عنایت به متن زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید. «که آن عالمِ پُرشگفتی و راز، سرایی سرد و بی‌روح شد، ساخته چند عنصر! و آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس، در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد و صفای آهورایی آن همه زیبایی‌ها که درونم را پر از خدا می‌کرد، به این علم عددبین مصلحت‌اندیش آلود و من آن شب، پس از گشت‌وگذار در گردشگاه آسمان، تماشاخانه زیبا و شگفت مردم کویر، فرود آمدم و بر روی بام خانه، خسته از نشئه خوب و پاک آن «اسرا»، در بستر خویش به خواب رفتم.» أ) بخش خط‌کشیده چه آرایه‌ای را پدید آورده است؟ متناقض نما ب) در این متن، چه تلمیحی به کار رفته است؟ تلمیح به اسرا/سیر شبانه پیامبر اکرم ﷺ (از مسجدالحرام به مسجدالأقصی)	۰/۷۵
۲۳	انتساب کدام اثر به صاحب آن درست نیست؟ ۱) از پاریز تا پاریس: دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی ۲) قصه شیرین فرهاد: نظامی گنجوی ۳) مثل درخت در شب باران: دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی ۴) تمهیدات: عین‌القضات همدانی	۰/۲۵
۲۴	قالب شعری کدام بیت «قصیده» است؟ ۱) وین نغمه محبت، بعد از من و تو ماند/تا در زمانه باقی‌ست آواز باد و باران ۲) خامش منشین، سخن همی‌گوی/افسرده مباش، خوش همی‌خند	۰/۲۵
۲۵	صاحبان کدام دو اثر یکی‌اند؟ ۱) تذکرة الاولیاء، فی حقیقة العشق ۲) فیه ما فیه، مثنوی معنوی	۰/۲۵
۲۶	نویسنده «بخارای من ایل من» کیست؟ محمد بهمن بیگی	۰/۲۵
۲۷	با استفاده از حافظه خویش کامل کنید: باز آکه در هوایت، خاموشی جنونم/... فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران...	۰/۲۵
۲۸	مصراع درهم‌ریخته زیر را مرتب کنید. پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند بودند - تو - پیش - من - از - بستند - و - نقش - بسیار	۰/۵
۲۹	کدام گزینه تکمیل‌کننده مصراع زیر نیست؟ «ای جویبار جاری! زین سایه‌برگ مگریز» ۱) بیرون نمی‌توان کرد حتی به روزگاران ۲) کاین‌گونه فرصت از کف دادند بی‌شماران	۰/۲۵
قلمرو فکری (۸ نمره)		
۳۰	مولانا در بیت زیر، چه کسی را سزاوار همراهی نمی‌داند؟ عاشق در حال فراق و جدایی (و پاسخ‌های مشابه) «نی حریف هرکه از یاری برید/پرده‌های پرده‌های ما درید»	۰/۲۵
۳۱	از مفهوم کدام بیت، «ضرورت توسل به مُرشد و مراد» برمی‌آید؟ أ) در عالم پیر، هرکجا برنایی است/عاشق بادا، که عشق خوش سودایی است ب) آیین طریق از نفس پیر مغان یافت/آن خضر که فرخنده‌پی‌اش نام نهادند	۰/۲۵
۳۲	مقصود از بخش مشخص شده چیست؟ خورشید/مشری ■ «با شیر سپهر بسته پیمان/با اختر سعد کرده پیوند»	۰/۲۵

۰/۲۵	۳۳	در عبارت زیر، شرط راه‌یابی به عالم عشق چیست؟ با خود نبودن/بیخودی/ترک خود کردن (و پاسخ‌های مشابه) ■ «در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند.»
۰/۲۵	۳۴	مفهوم مشترک دو عبارت زیر چیست؟ اینکه همه اجزای عالم هستی در حال عبادت و تسبیح خداوندند. ا) «من نمازم را وقتی می‌خوانم/که اذانش را باد/گفته باشد سر گلدسته سرو» ب) «صحرائی که حتی درختش، غارش، کوهش و سنگریزه‌اش آیات وحی را بر لب دارد.»
۰/۲۵	۳۵	مفهوم مشترک دو عبارت زیر چیست؟ آلوده شدن به علمی استدلالی و سبب‌اندیش (و پاسخ‌های مشابه) ا) در کف‌ها کاسه زیبایی/بر لب‌ها تلخی دانایی/شهر تو در جای دگر/ره می‌بر با پای دگر ب) صفای آهورایی آن همه زیبایی‌ها که درونم را پر از خدا می‌کرد، به این علم عددبین مصلحت‌اندیش آلود!
۰/۲۵	۳۶	نویسندگان در متن‌های زیر، کدام ویژگی شعر و ادبیات را منظور نظر خویش داشته‌اند؟ ۱) «متوجه شدم که قدرت قلم این نویسنده تا چه حد بوده است که فرهنگ و تمدن فرانسوی را حتی در دل دهات دورافتاده ایران مثل پاریز هم فرا برده است؛ کاری که نه سپاه ناپلئون می‌توانست بکند و نه نیروی شارلمانی و نه سخنرانی‌های دوگل!» ۲) «نامه برادر با من همان کرد که شعر و چنگ رودکی با امیر سامانی! آب جیحون فرونشست؛ ریگ آموی پرنیان شد؛ بوی جوی مولیان مدهوشم کرد؛ فردای همان روز، ترقی را رها کردم. پا به رکاب گذاشتم و به سوی زندگی روان شدم!» گیرایی، اثرگذاری، شورانگیزی، بسط فرهنگی (و پاسخ‌های مشابه)
۰/۲۵	۳۷	در متن زیر، سهروردی شرط رسیدن به عالم عشق را چه دانسته است؟ جمع معرفت و محبت (و مشابهات) - «و به عالم عشق - که بالای همه است - نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد.»
۰/۲۵	۳۸	کدام یک از ابیات زیر، به سخن مشهور «كُلُّ شَيْءٍ يَرْجِعُ إِلَىٰ أَصْلِهِ» اشاره دارد؟ ا) کز نیستان تا مرا بُبریده‌اند/در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند ب) هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش/باز جوید روزگار وصل خویش
۰/۲۵	۳۹	مفهوم عبارت «شوخی روزگار است که مهد دموکراسی عالم، یعنی آتن، که دو هزار و هشتصد سال قبل، حتی برای آب خوردن در شهر هم مردم رأی می‌گرفتند و رأی می‌دادند، از بیم عقرب جزاره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیه حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد!» با کدام ضرب‌المثل در ارتباط است؟ از چاله به چاه افتادن
۰/۲۵	۴۰	در اشعار زیر، بر کدام ویژگی عشق تأکید شده است؟ ا) آتش عشق است کاندلر نی فتاد/جوشش عشق است کاندلر می فتاد ب) خنده تو در پاییز/در کناره دریا/موج کف آلوده‌اش را/باید برفرازد جوش و خروش عشق (و پاسخ‌های مشابه)
۰/۲۵	۴۱	مفهوم بیت «در ره عشق نشد کس به یقین محرم راز/هرکسی بر حسب فکر گمانی دارد» از کدام بیت دریافت می‌شود؟ ا) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست/لیک کس را دید جان دستور نیست ب) سر من از ناله من دور نیست/لیک چشم و گوش را آن نور نیست ج) هر کسی از ظن خود شد یار من/از درون من نجست اسرار من د) درنیابد حال پخته هیچ خام/پس سخن کوتاه باید والسلام

مفهوم مناسب هر عبارت را از ستون (ب) مشخص کنید. (در ستون (ب)، یک مورد اضافی است.

(الف)	(ب)
من که هرآنچه داشتم اول ره گذاشتم حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو	ناپایداری حکومت‌ها
سودای عشق از زیرکي جهان بهتر ارزد و دیوانگي عشق بر همه عقل‌ها افزون آید.	فراق معشوق
کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند؟	برتری عشق
شو منفجر ای دل زمانه! وان آتش خود نهفته میسند!	دشواری راه عشق
	دعوت به ظلم‌ستیزی

معنای هریک از عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

■ از سیم به سر یکی کله‌خود/ز آهن به میان یکی کمر بند
(ای دماوند! تو) از برف (که به‌سان نقره است) کلاه‌خودی بر سر داری و از صخره‌ها و سنگ‌ها (که به‌سان آهن‌اند) کمربندی به کمر بسته‌ای.

■ بگرای چو ازدهای گرز/بخروش چو شرزه‌شیر ارغند
(ای دماوند!) به‌سان ازدهایی خشمگین، حمله‌ور شو و مانند شیری خشمگین و زورمند، به خروش آ.

■ همچو نی زهری و تریاقی که دید؟/همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟
آیا کسی به‌سان نی، زهری و پادزهری/تریاقی دیده است؟ آیا کسی به‌سان نی، همدم و مشتاقی دیده است؟

■ دل‌گرمی و دم‌سردی ما بود که گاهی/مردادمه و گاه دی‌اش نام نهادند
دل‌گرمی و ناامیدی ماست که روزها و ایام را شکل می‌دهد و آن را مردادماه (گرما) یا دی‌ماه (سرما) نام می‌گذارند (و پاسخ‌های مشابه)

■ عشق آتش است؛ هر جا که باشد، جز او رخت، دیگری نهد. هر جا که رسد، سوزد و به رنگ خود گرداند.
عشق چون آتش است و هر جا که حضور داشته باشد، غیر از او مقیم نمی‌تواند بود. به هر جا که برسد، آن را می‌سوزاند و به رنگ خود می‌کند.

■ ای عزیز! به خدا رسیدن فرض است و لاابد هرچه به واسطه آن به خدا رسند، فرض باشد به نزدیک طالبان.
ای عزیز! به خدا رسیدن واجب است و البته هرچه به واسطه آن بتوان به خدا رسید برای راهروان/طالبان واجب است.

■ روزگاری از فراز همین برج‌ها، فرمان به سواحل دریای سیاه داده می‌شده و کرانه‌های فرات خط از کرانه رود تیبر می‌خواندند.
روزگاری قلمرو امپراتوری روم تا سواحل دریای سیاه و کرانه‌های فرات امتداد داشته است/از بالای همین برج‌های رم به سواحل دریای سیاه فرمان داده می‌شده و کرانه‌های رود فرات (در عراق و شام) تابع و پیرو کرانه‌های رود تیبر (در روم) بوده‌اند.

■ گل‌های الماس شکفتند و قندیل زیبای پروین سر زد و آن جاده روشن و خیال‌انگیزی که گویی یک‌راست به ابدیت می‌پیوندد: «شاهراه علی!» «راه مکه»!

ستارگان (که مانند گل‌های الماس‌اند) درخشیدند و پروین که مانند قندیلی زیباست سر زرد و راه شیری، آن جاده روشن و خیال‌انگیزی که انگار مستقیماً به ابدیت می‌پیوندد، (که مردم کویر آن را) شاهره‌ای علی و راه مکه می‌خوانند.

۲۰

نمره از «بیت»